

جهان سوم با کوله باری از مشکلات و نابسامانیها می رود تا قرن حاضر را به پایان رساند. در کنار مسائلی چون توسعه اقتصادی، آموزش، بهداشت و درمان و ... رشد شتابان و فزاینده جمعیت که این کشورها را با «انفجار جمعیت» مواجه ساخته است، از مشکلات عمده محسوب می شود.

فراهم آوردن مسکن و سرپناه برای این جمعیت انبوه و نیز اسکان آنها در مناطق روستایی با در نظر گرفتن برنامه ریزیهای انجام شده و استراتژی کلی کشور در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، توجه

عمیق دولتها به این مسئله را ضروری ساخته است.

در این راستا، دهمین اجلاس اسکان بشر از تاریخ ۱۷ الی ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۶ از سوی سازمان ملل متحد در شهر نایروبی پایتخت کنیا برگزار شد.

این اجلاس ضمن بازنگری طرحهای تدوین شده در اولین اجلاس که سال ۱۹۷۶ در «وانکورو» کانادا تشکیل شده بود، بررسی سیاستها و مکانیزمهای «تهیه مسکن برای همه تا سال ۲۰۰۰» را در دستور کار خود داشت.

جمهوری اسلامی ایران، با هیئتی فعال در این اجلاس حضوری گسترده و چشمگیر داشت و با ارائه

سه مقاله نقش مهمی را در جهت گیری برنامه های اجلاس ایفا کرد. در این میان گزارش وزارت جهاد سازندگی که به بررسی ابعاد مختلف طرح بهسازی روستایی می پرداخت، بشدت مورد توجه شرکت کنندگان سمینار قرار گرفت.

مطلب ذیل، اشاره ای است به گوشه ای از مسائل مطروحه در اجلاس فوق که استراتژیهای سکونتگاههای انسانی در این کشور بطور مبسوط مورد مطالعه قرار گرفته است.

## گزارشی از: دهمین اجلاس اسکان بشر سازمان ملل

# استراتژی سکونتگاههای روستایی در کنیا

استراتژی سکونتگاههای انسانی در کنیا:

با توجه به اوضاع فعلی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کنیا دولت اعتقاد دارد که توسعه اقتصادی و ایجاد توازن اقتصادی و افزایش فرصتهای اشتغال، در بهترین حالت خود می تواند به وسیله توسعه روستایی حادث شود. استراتژی فعلی سکونتگاههای انسانی در کنیا، یافتن شیوه مناسبی جهت کنترل الگو و مقیاس شهرنشینی، به منظور فراهم کردن عوامل برنامه ریزی اسکان، در کشور است.

این استراتژی شامل توسعه شبکه طراحی شده خدمات در سراسر کشور است که جهت ارتقاء کیفیت زندگی در مناطق روستایی با هدف انگیزش توسعه روستایی در برابر توسعه چند مرکز خاص جمعیتی یا چند شهر پرتراکم و بی خاصیت مانند نایروبی، مومباسا و ... اعمال می گردد.

الگوی مطلوب و مورد نظر برای سکونتگاههای

انسانی می تواند ترکیبی از سیاست عدم تمرکز محدود در سطوح ملی و منطقه ای و تمرکز حساب شده در سطح محلی باشد. استراتژی مذکور موارد ذیل را شامل می شود که هر یک به صورت مشروح توضیح داده خواهند شد:

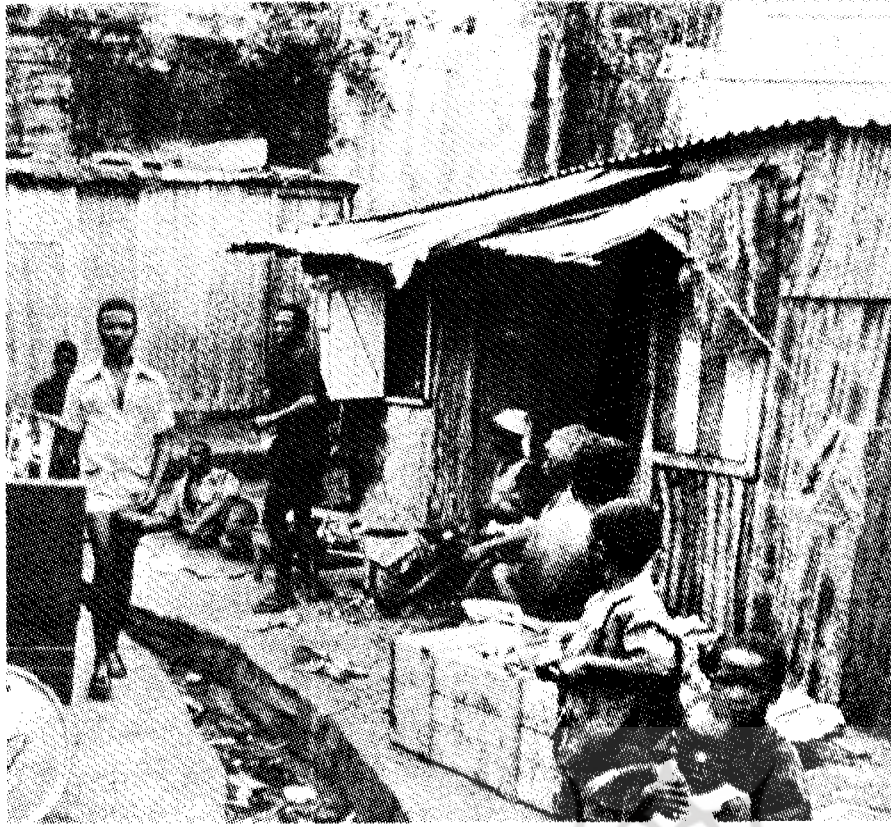
- ۱- توسعه مراکز خدماتی
- ۲- توسعه قطبهای رشد و توسعه
- ۳- توسعه و تکمیل سیستم حمل و نقل و ارتباطات
- ۴- توسعه مناطق روستایی
- ۵- توسعه استانداردهای مناسب خدمات

۱- توسعه مراکز خدماتی:

از موضوعات اساسی که حکومت کنیا بدان عنایت می ورزد، اختصاص سهم زیادی از منابع موجود ملی به مناطق روستایی است. ارتقاء

کیفیت زندگی روستاییان مستلزم عرضه خدمات مختلف مانند بهداشتی، تجاری، آموزشی، آبرسانی، شبکه فاضلاب و سایر خدمات می باشد. میزان سرمایه موجود برای ایجاد خدمات فوق محدود است و تمرکز این خدمات در مکانهای مشخص بجای پراکنش آن در همه مناطق، بهترین شیوه استفاده از منابع مالی موجود است. در این رابطه دولت سیاست طراحی شبکه مراکز خدمات را در پیش گرفت که در هر یک خدمات مذکور تمرکز می یابد و در همان حال توزیع معقول و عادلانه خدمات زیربنایی و سایر خدمات اجتماعی، با توجه به پراکنش جمعیت، در سراسر کشور صورت میگیرد.

تمرکز خدمات در مناطق روستایی به دلیل صرفه جویی در وقت و انرژی (که در صورت پراکنده شدن خدمات بایستی توسط روستاییان صرف گردد) مناسبتر است. همچنین تمرکز



● استراتژی فعلی سکونتگاههای انسانی در کوبا، یافتن شیوه مناسبی جهت کنترل الگو و مقیاس شهرنشینی به منظور فراهم کردن عوامل برنامه ریزی اسکان است. استراتژی مذکور شامل: توسعه مراکز خدماتی، توسعه قطبهای رشد و توسعه، توسعه و تکمیل سیستم حمل و نقل و ارتباطات، توسعه مناطق روستایی، توسعه استانداردهای مطلوب خدمات زیربنایی در مناطق روستایی می باشد.

● هر استراتژی در رابطه با سکونتگاههای انسانی هنگامی می تواند موفق باشد که بوسیله شبکه حمل و نقل تکمیل گردد. شاید بتوان گفت که تأمین عدالت اجتماعی بین مناطق مختلف شهری و روستایی بدون در نظر داشتن این موضوع امکان پذیر نمی باشد.

زیستگاهها بحدی است که نیاز به ایجاد مراکز خدماتی در آنها به شدت احساس می شود. مسئله دیگر توزیع نامتناسب خدمات در رابطه با پراکنش جمعیت می باشد. کما اینکه در بسیاری موارد، وجود خدمات مشابه در مناطق همجوار باعث عدم استفاده کامل از آنها و تحمیل هزینه های گزاف می گردد. جهت اصلاح این امر و برای توزیع متناسب مراکز خدماتی، سیاست ایجاد قطبهای خدمات ملی، چهار سطح از مراکز خدمات را به ترتیب اهمیت شرح زیر تعیین نموده است:

- ۱- مراکز خدمات محلی
- ۲- مراکز تجاری (بازاری)
- ۳- مراکز خدمات روستایی
- ۴- مراکز خدمات شهری

حدود ۱۷۰۰ مرکز خدمات در سراسر کشور به نحوی انتخاب گردیده اند که کلیه جمعیتهای روستایی را تحت پوشش قرار دهند. با بررسی عواملی مانند نیازهای مناطق، پراکنش آینده جمعیت، تجزیه و تحلیل خدمات زیربنایی، شبکه حمل و نقل موجود، میزان نیاز به منابع محلی و مشاوره با کمیته های توسعه استان و بخش، مراکز

دانشگاهها، از نظر اقتصادی تنها در برخی از شهرهای بزرگ قابل عرضه هستند، و این به دلیل تعداد اندک مردم در مناطق روستایی و تعداد بسیار آنها در شهرها است. از سوی دیگر برخی خدمات مانند آبرسانی، داروخانه، دبستان و مراکز تجاری که حوزه نفوذ کمتری داشته و با وجود پوشش عده قبلی از جمعیت، توجیه اقتصادی دارند، می توانند در تعداد زیادی از مراکز کوچکتر روستایی عرضه شوند و بدین ترتیب دسترسی به خدمات اولیه را تسهیل بخشند. بدین ترتیب شبکه ای از خدمات پدید می آید که خدمات سطح بالا در مراکز محدود شهری و سایر خدمات به تناسب در مراکز دیگر جمعیتی بصورت مرتبط با هم، توزیع گردیده اند.

گزرچه در نواحی معینی از کشور، سلسله مراتب ناقصی از قطبهای خدماتی وجود دارد که خدمات مختلف اداری، تجاری، اجتماعی و... را عرضه می نمایند، لکن بسیاری از آنها فاقد خدمات و نیازهای زیربنایی و اولیه هستند. به علاوه در حوزه نفوذ این قطبها، تعداد بسیار زیادی از مراکز کوچکتر بوجود آمده اند که از نظر اقتصادی نقش مثبتی ایفا نکرده و بجای اجتماع، پراکنده گشته اند. در سایر مناطق پراکندگی

خدمات باعث کاهش هزینه های عرضه خدمات زیربنایی مانند آبرسانی، شبکه فاضلاب و... می گردد که در غیر این صورت مستلزم صرف هزینه های بسیاری بوده که از نظر اقتصادی به صرفه نیست.

سومین امتیاز تمرکز خدمات این است که شبکه راههای بین مراکز خدماتی بطور معقولی می توانند طراحی و ساخته شوند، به طوریکه دسترسی به این مراکز به سهولت صورت پذیرد. به علاوه انتظار می رود که مراکز روستایی با ایجاد خدمات زیربنایی درصدد دستیابی و جذب بهتری برآیند، که این امر خود موجب گسترش و توسعه فعالیتهای تجاری و ایجاد فرصتهای بیشتر اشتغال در بخش غیر کشاورزی خواهد گردید. جریان مذکور نهایتاً منجر به افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی روستاییان می شود.

در عرضه خدمات باید تعادلی بین آسایش و رفاه روستاییان و توجیه اقتصادی طرحهای موجود باشد. طبعاً حداقل نیازهای خدمات مردم بایستی برآورده گردد، منتهی توزیع خدمات باید براساس ظرفیتهای مناطق و سطح خدمات مورد نظر صورت پذیرد. بعضی از خدمات ویژه، مانند بیمارستانها و

ویژه خدماتی برگزیده و موقعیت آنان در سیستم سلسله مراتب خدماتی تعیین گردید.

با توجه به موارد فوق جهت برنامه ریزی مراکز توسعه، مراکز محلی برای پوشش جمعیتی بالغ بر ۵۰۰۰ نفر، مراکز تجاری جهت ۱۵۰۰۰ نفر، مراکز روستایی جهت ۴۰۰۰۰ نفر و مراکز شهری جهت پوشش ۱۲۰۰۰۰ نفر از جمعیت مناطق روستایی طراحی گردیدند. توضیح مختصری در مورد هریک از مراکز برنامه ریزی شده در پی می آید.

#### ۱- مراکز محلی:

مراکز خدمات محلی نازلترین سطح خدمات را عرضه می نمایند و همانطور که از نامش پیداست، جهت تأمین نیازهای خدمات افرادی که در فاصله کمی از آن قرار دارند، طراحی گردیده است. خدمات این مراکز عبارتند از: مدارس ابتدایی، تعدادی مغازه، یک درمانگاه، سیستم آبرسانی و احتمالاً یک بازار محله مراکز محلی در مناطقی که جمعیت متراکمی دارند تأثیر ناچیزی خواهد داشت، برعکس در مناطقی که جمعیت پراکنده و تراکم آن کم است و خدمات بایستی در منطقه وسیعی عرضه شوند، از جهت اقتصادی و اجتماعی، اهمیت زیادی دارا خواهد بود.

به طور مراکز کلی محلی برای پوشش حوزه ای با حدود ۵۰۰۰ نفر جمعیت طراحی گردیده است و خود آن به ندرت جمعیت ساکن دایمی خواهد داشت. ضمناً هر مرکز از یک راه به استناددهای حداقل، دسترسی خواهد داشت.

#### ۲- مراکز تجاری:

مراکز تجاری برای عرضه خدمات به حدود ۱۵۰۰۰ نفر از جمعیت روستایی طراحی شده است. در این مراکز، خدماتی از قبیل دبستان، دبیرستان، مرکز بهداشت با برنامه های تنظیم خانواده، دفتر پست، مخابرات، قرارگاه پلیس، شبکه آبرسانی، سیستم اتوبوسرانی (جهت ارتباط با نقاط دور دست) و سایر خدمات اجتماعی، تجاری و اداری ایجاد خواهند شد. این مراکز بوسیله یک راه ارتباطی سرویس شده و جمعیت ساکنی بیش از ۲۰۰۰ نفر خواهند داشت.

#### ۳- مراکز روستایی:

مراکز روستایی عرضه کننده سطوح بالاتر خدمات است. طبق برنامه ریزیهای انجام شده، همراه با توسعه و پیشرفت اقتصادی نواحی

روستایی، این مراکز تبدیل به شهرهای کوچکی خواهند شد که نقش مهمی را در توسعه مناطق روستایی ایفا می کنند.

یک مرکز روستایی جمعیتی حدود ۴۰۰۰۰ نفر را تحت پوشش خود قرار خواهد داد و به شرط توسعه کامل جمعیت ساکنی بالغ بر ۲۰۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ نفر را شامل می شود. این مراکز در حقیقت آخرین حلقه سلسله مراتب شهری است.

مراکز روستایی، خصوصاً در بهبودی استانداردهای زیستی و رفاهی مناطق روستایی نقش مهمی خواهد داشت. به جهت دسترسی حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر از مردم مناطق روستایی به هریک از این مراکز، از آنها می توان به عنوان مراکز مهمی جهت آموزش استفاده کرد و در

### ● توسعه روستایی به دلیل وجود روابط اقتصادی ننگانگ شهر و حومه، بخش اصلی و مکمل سیاست سکونتگاههای انسانی محسوب می گردد. مناطق روستایی نه تنها مواد غذایی اصلی و مواد خام مورد نیاز شهرنشینان را تهیه می نمایند، بلکه فراهم کننده نیروی کار فعالیتهای صنعتی و خدماتی شهرها نیز محسوب می شوند.

آنها مواردی از قبیل دانش بهتر کشاورزی، برنامه های تنظیم خانواده، بهداشت، تغذیه و غیره را آموزش داد. مرکز روستایی باید دارای یک دبیرستان، یک مرکز بهداشتی با تجهیزات مخصوص زایمان باشد و توسعه فروشگاههای بهتر و بزرگتر تشویق شود. مرکز روستایی باید سهم مهمی را در توسعه راههای درجه دوم به عنوان حداقل امکانات ارتباطی ایفا نماید. مراکز فوق نهایتاً دارای شبکه آب آشامیدنی، برق، سیستم فاضلاب، سیستم کامل مخابرات، پست و بانک خواهند بود. توسعه خدمات زیربنایی فوق این مراکز را قادر به انجام بهتر نقش خدماتی خود در اقتصاد روستایی، خواهد نمود و باعث تشویق توسعه صنایع روستایی در این مراکز می گردد.

#### ۴- مراکز مشخص شده شهری:

این مراکز عرضه کننده بالاترین سطح خدمات

می باشند. مراکز شهری با وجودی که نقش مهمی در تهیه خدمات مورد نیاز روستاییان ایفا می نمایند، به معنای واقعی کلمه شهر هستند. به عبارت دیگر جمعیت ساکنی در حدود ۵۰۰۰ نفر خواهند داشت. این مراکز جمعیتی حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر را تحت پوشش خدماتی خود قرار می دهند. بنابراین دارای یک بیمارستان مجهز و دبیرستان خواهند بود و از سایر خدمات زیربنایی از قبیل شبکه آب آشامیدنی، سیستم فاضلاب و سیستم ماشینی دفع زباله برخوردار می شوند.

طراحی این مراکز به نحوی است که به عنوان قطب فعالیتهای تجاری اداری، صنعتی و گذران اوقات فراغت و سایر نیازهای روستاییان محسوب می شوند. مراکز شهری نه تنها نیازهای فعلی را مرتفع می سازند، بلکه برطرف کننده نیازهای آتی هستند که در اثر توسعه اقتصادی ملی، ایجاد می گردند. در رابطه با نقش خدماتی، شهرها باید جوابگوی مردمی باشند که در جستجوی کار و استفاده از خدمات بهتر دست به مهاجرت می زنند. موفقیت این مراکز در سطوح مختلف بستگی به تمرکز کلیه خدمات مورد نیاز نواحی تحت پوشش دارد. خواه این خدمات یک دبستان یا فروشگاه باشد که درصد کمی از جمعیت روستایی را سرویس می دهد و یا یک کالج فنی و یا یک مرکز تجاری باشد. که یک ناحیه را تحت پوشش قرار می دهد. اگر مکان گزینی این مراکز به درستی صورت پذیرد، نقش مهمی را در ساختن چارچوب زیستگاههای شهری یا روستایی خواهند داشت. طراحی این مراکز بصورت جامعی صورت می گیرد و از موارد آن می توان به برخورد با توسعه خطی خدمات رفاهی در خارج از مراکز و در طول جاده ها که خطرات بسیاری را برای عابریان و سرنشینان اتومبیلها ایجاد می نماید، اشاره نمود.

به هر حال تاکید بر این امر ضروری بنظر می رسد که صرف تعیین و طراحی یک نقطه به عنوان مرکزی جهت عرضه سطحی از خدمات، باعث توسعه آن نمی شود و لازم است که مسئولان برنامه ریزی فیزیکی کشور کنیا در بخشهای دولتی و خصوصی، هنگام تصمیم در تعیین موقعیت این مراکز، نسبت به اجرای پروژه های پیش بینی شده اطمینان حاصل نمایند تا باعث از دست رفتن سرمایه ها در آینده نگردند. تنها در صورت هماهنگی، همکاری و استفاده از نظرات و

توصیه‌های کلیه سازمانها و مراکز ذیربط است که نواحی روستایی در کنیا می‌توانند دارای روابط قوی اقتصادی گردند و باعث بازده حداکثر از سرمایه‌گذاری روستایی شوند.

گرچه کوششهای بسیاری برای انتخاب مناسب مراکز در هر ناحیه به عمل آمده است، لکن به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات به هنگام از اوضاع و شرایط محلی برخی از نواحی، انتخاب بعضی از مراکز ممکن است نادرست باشد. در این رابطه باید ادارات بخشها در ارتباط دایم با دپارتمان برنامه‌ریزی فیزیکی باشند تا این انتخابها دایماً کنترل و بازنگری شوند. در این جریان، حفظ اصول سیاست بسیار مهم است، چرا که حفظ چارچوب یک سیاست مشخص، پیش از به ثمر رسیدن نتایج اقتصادی و اجتماعی، به شدت مورد نیاز است.

## ۲- توسعه قطبهای تعیین شده جهت رشد اقتصادی:

در این قسمت جا دارد تفاوت بین نقش خدماتی شهر و نیز نقش آن به عنوان قطب رشد و توسعه، خاطر نشان گردد. بطور کلی همه شهرها تا حدی می‌توانند در شمار مراکز خدمات، محل فروش محصولات و تهیه کالاها و لوازم مورد نیاز کشاورزان بیایند. با رشد کشاورزی، نقش خدماتی شهر با نقشهای دیگری ترکیب و تکمیل می‌گردد. ایجاد صنایعی که پشتیبان کشاورزی بشمار می‌آیند و حوزه عمل آنها سطح وسیعی از منطقه و حوزه نفوذ می‌باشد، به عنوان مثال از نقشهای جدید شهرها هستند. این نقشها علت اصلی رشد شهرها هستند چرا که چنین نقشهای ویژه‌ای باعث ورود درآمد مناطق اطراف بداخل شهرها می‌شود و به این ترتیب فرصتهای جدید اشتغال ایجاد می‌گردد و نقاط جاذب جهت مهاجرین پدید می‌آیند.

از سوی دیگر، نقشهای خدماتی که معمولاً (و نه منحصرأ) صفت مشخصه شهرهای کوچک هستند، باعث گردش پول در درون منطقه و عاملی جهت تثبیت جمعیت می‌گردند. اگرچه تفاوت نقش خدماتی و نقش رشد و توسعه کاملاً مشخص نیست، در این مطالعه، تمایزی بین اهداف و سیاست مراکز خدماتی در عرضه خدمات زیربنایی به مناطق روستایی، (که بر اساس وضع

موجود و پیش‌بینی پراکنش آینده جمعیت باید صورت گیرد)، و استراتژی تعیین چند مرکز بزرگ به عنوان قطبهای توسعه، که قابلیت پذیرش یک یا چند نقش اقتصادی را داشته و می‌توانند نقش مهمی در پراکنش مجدد جمعیت داشته باشند، در نظر گرفته شده است.

نحوه انتخاب و نقش مراکز رشد و توسعه:

هدف خاص این استراتژی ایجاد زمینه‌های مناسب برای برنامه‌ریزی توسعه صنعتی و بازرگانی است که استعدادهای تعدادی از شهرهای کوچک (علاوه بر نایروبی و مومباسا) را از قوه به فعل آورند. استراتژی فوق باعث توسعه شتابان شهرهای برگزیده‌ای می‌گردد که می‌توانند نقاط تثبیت شده و قابل برنامه‌ریزی، در سطح مناطق خویش

## ● هدف اساسی توسعه روستایی در کنیا، افزایش بهره‌وری زمین به عنوان مبنای اصلی کلیه فعالیت‌های دیگر می‌باشد تا از این طریق درآمد روستائیان از فعالیت‌های کشاورزی افزایش یابد و فرصتهای زیاد اشتغال ایجاد گردد که این امر موجب بالارفتن قدرت خرید آنان و تثبیت روستاها می‌شود.

محسوب گردند و نقشی در فرایند عدم تمرکز در روند توسعه کشور ایفا نمایند. به این ترتیب با رشد و توسعه این مناطق گزینه‌های بیشتری برای جذب جمعیت مهاجر روستایی فراهم می‌آید و زمینه‌ای برای کاهش مشکلات فزاینده حاصل از شهرنشینی در یک یا دو مرکز شهری آماده می‌شود. این سیاست همچنین موجب از بین رفتن وضعیت دوگانه فعلی اقتصاد کشور، به وسیله توسعه مناطق فراموش شده، می‌گردد.

در سیستم فعلی اسکان جمعیت، تعدادی شهر وجود دارند که به دلایلی، تبدیل به مراکز اصلی رشد و توسعه صنعتی و شهری گشته‌اند. موقعیت نسبتاً استراتژیک، امکانات بالقوه جذب جمعیت، منابع توسعه، شبکه حمل و نقل، تشکیلات فعلی اقتصادی و سطح خدمات زیربنایی، مرکزیت خدمات آموزشی و اداری،

امتیازاتی هستند که تبدیل آنها را به قطبهای رشد صنعتی، تسریع می‌نمایند.

با مطالعات انجام گردیده، مراکز ذیل به عنوان قطبهای تمرکز و تحرک فعالیت‌های مختلف، مناسب تشخیص داده شده‌اند:

ناکورو، کیسومو، الدورت، کیتیل، مالبندی، نیری، ما کاکوس، کاکامگا، کیسی، مرو، امبو. اکثر این مراکز بخصوص تیکا، ناکورو و الدورت بیشتر از مبانی اولیه توسعه برخوردار گردیده‌اند. مراکز دیگر مانند کاکامگا و کیسی و امبو برای رسیدن به این سطح، نیاز به ابتکارات بخش دولتی و خصوصی دارند. با توجه به اینکه به دلیل استعداد بالقوه متفاوت و محدودیت منابع، کلیه مراکز فوق نمی‌توانند از امکانات یکسان مالی و سایر امکانات بهره‌مند شوند، این مراکز بعنوان قطبهای رشد و توسعه در کوتاه مدت و میان مدت برگزیده شده‌اند:

ناکورو، کیسومو، تیکا، الدورت، کیتیل، کاکامگا، مرو، امبو و نیرو  
استعداد بالقوه توسعه مراکز برگزیده:

کیسومو به دلیل پتانسیل توسعه صنعتی و اداری اش، مرکز رشد و توسعه منطقه طراحی گردیده است. این شهر مرکز استان نیانزا بوده و از امتیازاتی مانند: مرکز شبکه راهها در غرب کشور، بندر اصلی دریاچه ویکتوریا، محل انتقال کالا از راه‌آهن به کشتی از نایروبی و مومباسا، برخوردار از شبکه برق و آب فراوان برای استفاده در فرایندهای صنعتی، بهره‌می‌جوید، با این وجود، به دلیل عدم وجود بازار مناسبی در منطقه، کیسومو رشد نسبی آنزالی داشته است. به هر حال با توسعه اقتصادی حوزه نفوذ کیسومو، جایکه شرایط رشد و تولید محصولاتی مانند کتان، شکر و بسیاری از محصولات دیگر فراهم است، می‌توان افزایش تقاضای خرید محصولات صنعتی و در نتیجه مکان‌گزینی آنها در کیسومو را انتظار داشت. طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده، تا سال ۲۰۰۰، کیسومو جمعیتی معادل ۵۰۰۰۰ نفر را در بر خواهد داشت. الدورت، ناکورو، تیکا و کیتاله نیز قبلاً از خدمات زیربنایی مورد نیاز توسعه صنعتی، از قبیل راه، راه‌آهن، برق، آب لوله‌کشی و شبکه فاضلاب برخوردار گشته‌اند و بدین ترتیب به عنوان قطبهای توسعه مناطق محسوب می‌گردند. تیکا بیشتر بصورت یکی از اقمار اصلی

صنعتی شهر نایروبی توسعه یافته و صنایع اشباع شده نایروبی در آنجا مستقر شده‌اند. این مراکز جهت جذب جمعیتی معادل ۲۰۰۰۰۰ نفر تا سال ۲۰۰۰ در نظر گرفته شده است.

گرچه شهرهای کوچک کاکامگا، نیری، امبو و مروبه دلیل مرکزیت استانی، به عنوان مراکز توسعه برگزیده شده‌اند، استعداد بالقوه صنعتی بسیار اندکی داشته و صنایع سنگین احتمالاً اهمیت کمتری در آنها خواهد داشت. هیچکدام از این شهرها سیستم حمل و نقل راه آهن و سیستم صحیح آبرسانی را دارا نبوده‌اند و خدمات موجود در آنها بسیار نازلتر از شهرهای مذکور است. با این حال دارای راه درجه یک کامیون رو و به شبکه سراسری برق نیز متصل می‌باشند. کلیه این مراکز در مناطق پرتراکم جمعیتی واقع شده و خاک حاصلخیز و باران مناسب، امکان تولید محصولات فراوانی را میسر می‌سازد. بنابراین شهرهای مذکور می‌توانند بصورت مراکز مهم تجاری با اقتصادی بر محور صنایع کوچک مقیاس یا متوسط مقیاس (بر پایه کشاورزی)، توسعه یابند. جمعیت این شهرها تا پایان قرن حاضر به ۱۰۰۰۰۰ نفر بالغ خواهد گردید.

جهت حصول اطمینان از تاثیر اجرای استراتژی تعیین مراکز رشد، حکومت بایستی برنامه‌های هماهنگی را برای توسعه مراکز و حوزه‌ها، (مشابه برنامه‌های انجام گردیده یا در حال انجام مراکز صنعتی) تدارک بیند و امکاناتی مانند فعالیت مالیاتی، تهیه زمین مناسب، خدمات زیربنایی، وام‌های کم بهره و سایر امکانات مالی را مدنظر داشته باشد. در این صورت مراکز فوق پس از دریافت مساعدتها و رهنمودهای اولیه از سوی دولت، قادر به ایجاد فرصتهای جدید اشتغال و تولید ارزش افزوده خواهند شد و این امر منتهی به فرایند رشد غیر متمرکز و خود اتکا می‌شود. متذکر می‌گردد که این مراکز در وهله اول بر پایه تولید محصولات کشاورزی رشد می‌یابند و شرایط مساعدی را برای رشد و تنوع محصولات کشاورزی در مناطق روستایی همجوار، ایجاد می‌نمایند.

### ۳- توسعه شبکه حمل و نقل و ارتباطات:

حمل و نقل و ارتباطات نقش بسیار مهمی را در عملکرد سکونتگاههای انسانی (که تاثیر عمده‌ای بر فعالیت انسانها دارد)، ایفا می‌نمایند. هر

استراتژی در رابطه با سکونتگاههای انسانی هنگامی می‌تواند موفق باشد که به وسیله شبکه حمل و نقل تکمیل گردد. شاید بتوان گفت که تامین عدالت اجتماعی بین مناطق مختلف شهری و روستایی بدون در نظر داشتن این موضوع محقق نخواهد شد. گرچه به دلیل شرایط اقتصادی و طبیعی مناطق مختلف و تفاوت فاحش سطوح توسعه مناطق، ارائه الگوی واحد شبکه راهها امکان پذیر نیست، می‌توان اصولی را به صورت کلی برای خدمات مورد نیاز حمل و نقل، بشرح زیر بیان داشت:

۱- تمام شهرهای اصلی (مراکز رشد) لاقل بایستی به شبکه اصلی حمل و نقل کشور متصل گردند.  
۲- کلیه مراکز شهری طراحی شده، لاقل باید به وسیله راههای درجه یک به یکدیگر متصل شوند.

۳- تمامی مراکز روستایی طراحی شده، لاقل باید به وسیله راههای درجه دوم به یکدیگر مرتبط گردند.

۴- کلیه مراکز محلی و تجاری (بازاری) طراحی شده، لاقل باید به وسیله راههایی با استاندارد پایین به یکدیگر متصل شوند.

### ۴- توسعه روستایی:

توسعه روستایی بخش اصلی و مکمل سیاست سکونتگاههای انسانی محسوب می‌گردد. این به آن علت است که بین شهر و حومه آن روابط اقتصادی تنگاتنگی وجود دارد. مناطق روستایی نه تنها مواد غذایی اصلی و مواد خام مورد نیاز شهروندان را تهیه می‌نمایند، بلکه فراهم کننده نیروی کار فعالیتهای صنعتی و خدماتی شهرها نیز محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، سکونتگاههای انسانی در شهرها نیز با تهیه بازار فروش محصولات غذایی و مواد خام صنعتی روستاها، شرط لازم را برای تولید محصولات مزارع فراهم می‌سازند و مشوق توسعه روستاهای اطراف می‌گردند.

هدف اساسی توسعه روستایی در کنیا، افزایش بهره‌وری زمین، به عنوان مبنای اصلی کلیه فعالیتهای دیگر توسعه روستایی است. با اجرای برنامه‌های توسعه روستایی انتظار می‌رود که درآمد روستاییان از فعالیتهای کشاورزی افزایش یابد و فرصتهای زیاد اشتغال ایجاد گردد،

که این امر منجر به افزایش قدرت خرید روستاییان می‌گردد و نهایتاً روستاها در روند توسعه صنعتی مضمحل نمی‌شوند و تشبیت خواهند شد. استراتژیهای توسعه روستایی در کشور کنیا را در (۶) مورد زیر می‌توان خلاصه نمود:

۱- افزایش بازده محصولات کشاورزی به وسیله آموزش و اشاعه دانش و تکنیکهای نوین کشاورزی.

۲- ایجاد فرصتهای اشتغال غیر کشاورزی.

۳- تدارک عوامل پشتیبانی مانند توسعه و گسترش مراکز تجاری، آموزشی، آموزش کشاورزی و مراکز تامین اعتبار.

۴- ارائه خدمات زیربنایی مانده راه، آب و برق.

۵- تدارک تشکیلات اداری توسعه روستا.

۶- جلب مشارکت مردمی.

### ۵- استانداردهای مناسب خدمات زیربنایی شهرها:

با توجه به اینکه توسعه خدمات شهری به ناچار باید با وسعت و سرعتی بسیار بیشتر از قبل صورت گیرد، تا قادر به انجام دادن طرحهای فزاینده ناشی از رشد جمعیت تا سال ۲۰۰۰ باشد، استانداردهای مناسب با توجه به امکانات و محدودیتهای فعلی کشور، باید شناخته و اشاعه گردند. سیاست فوق دو هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱- بهبود شرایط مناطق فراموش شده، به وسیله تعیین حداقل استانداردها که می‌توانند در همه مناطق عرضه شوند و مناسب برای ایجاد یک محیط سالم و امن هستند.

۲- بررسی مجدد مناطقی که از سطوح بالای استانداردها برخوردار گردیده‌اند، برای بهره‌وری حداکثر از منابع موجود جهت توزیع عادلانه خدمات بین بخشهای مختلف جمعیتی.

در بسیاری از موارد اطلاعات کافی یا تجربه عملی قابل استفاده جهت تعیین حداقل استانداردهای خدمات زیربنایی موجود نمی‌باشد. ضمناً به دلیل تفاوت بسیار مناطق، برقراری سیستم واحد ولایتی استاندارد در سراسر کشور تجویز نمی‌گردد. بنابراین قابلیت انعطاف استانداردها نیز مسئله‌ای اساسی است. برای مثال استانداردهای موجود نایروبی نمی‌توانند در سایر

مناطق نیز عرضه شوند و در این امرسایلی مانند شرایط محلی، منابع، سطوح درآمد، آداب و رسوم، توانایی نیروی انسانی و... باید در انتخاب و ایجاد استانداردها مورد توجه قرار گیرند.  
استانداردهای موجود:

برای ارائه استانداردهای خدمات زیربنایی در کنیا، هیچ سیستم سازمان یافته‌ای ایجاد نگردیده است. اگرچه کوششهای بسیاری به وسیله ارگانهای مختلف دولتی در این مورد شده است ولی هیچ هماهنگی و مرکزیتی وجود نداشته است. این مشکل با کمبود شدید نیروی انسانی به عنوان ضامن اجرای آنها مخصوصاً در مناطق روستایی تشدید می‌گردد. بسیاری از استانداردهای موجود فقط در مراکز بزرگ جمعیتی قابل اجرا می‌باشند و بسیاری از آنها بر پایه مقررات و آیین‌نامه‌های کشورهای انگلستان، بدون تطبیق با شرایط و موقعیت کنیا، تعیین گردیده‌اند. بکارگیری این استانداردهای نتایج نامطلوب زیر را به دنبال دارد:

۱- هزینه خدمات مورد نیاز بر طبق چنین ضوابطی بسیار زیاد می‌شوند. چرا که کلیه خدمات درجه یک که در مراکز پرجمعیت شهری عرضه می‌شوند، مانند راههای درجه یک، انشعاب خصوصی آب، روشنایی خیابانها و... باید در کلیه مراکز عرضه شوند که این امر منجر به افزایش هزینه‌های توسعه مسکن می‌گردد و هدف تهیه مسکن ارزان قیمت را با شکست مواجه می‌سازد و نتیجه این می‌گردد که تنها خانوارهایی با درآمد بالا یا متوسط قادر به تهیه مسکن می‌شوند. نه تنها هزینه‌های اولیه، بلکه هزینه‌های ماهانه آب و برق نیز افزایش می‌یابد که پرداخت آن خارج از توانایی گروههای کم درآمد می‌باشد. بنابراین باید ایجاد گزینه‌هایی جهت بهبود و کاهش خدمات زیربنایی بدون کاهش استانداردهای آسایش و رفاه زندگی مورد توجه و عمل قرار گیرد.

۲- جهت ایجاد استانداردهای موجود، سهم زیادی از مواد، تجهیزات و معلومات، با هزینه‌های بسیاری بکار گرفته می‌شوند. برای کاهش این هزینه‌ها، افزایش داده‌های محلی مانند نیروی انسانی، مواد و تکنیکها، امری اساسی است. که در این صورت استانداردهای صحیح و قابل قبول مسکن و خدمات ارزان قیمت، درصد بیشتری از جمعیت را پوشش می‌دهند.



### پیشنهادات برای سیستم کم هزینه خدمات زیربنایی:

با توجه به موارد فوق سیستمی برای تهیه مسکن و خدمات زیربنایی پیشنهاد می‌گردد که متکی به داده‌های محلی مانند نیروی کار و مواد بومی می‌باشد. به این ترتیب مسکن ارزان قیمت که اکثریت مردم توان تهیه آن را دارند، ایجاد می‌گردد. در این رابطه سطح بندی سکونتگاهها انجام گردیده است. برای کلیه سطوح، حداقل استانداردها پیشنهاد می‌گردند. سکونتگاههای

سطح یک باید بهبود قابل ملاحظه‌ای را در هزینه و سطح خدماتی سکونتگاههای غنسی شهرها و روستاها، در سراسر کشور ایجاد نماید. همراه با افزایش سطح درآمد و افزایش میزان سرمایه گذاری جهت بهبود خدمات تا سطح (۲) و (۳) و (۴) نیز به نوبه خود امکانپذیر است. به این ترتیب مسکن و خدمات ارتباطی در جهت تکامل و رسیدن به سطحی که مردم متمایلند و توانایی ایجاد آن را دارند، می‌توانند توسعه یابند.